

دکتر پدرام سلطانی: | فرصت تاریخی که دولت روحانی از دست داد



دکتر پدرام سلطانی

نظام پرداخت یارانه در ایران با مشکلات اساسی مواجه است و بسیاری از کارشناسان، از سالها پیش هشدار داده بودند که تداوم روند اجرای این طرح، به شکل فعلی نه تنها به حل مشکلات اقتصادی ایران، کمکی نخواهد کرد که باری سنگین بر دوش دولت خواهد گذاشت. با این وجود تمام دولتهایی که در دهه های اخیر بر سر کار آمده اند، نه تنها نتوانسته اند عملکرد قابل دفاعی در این حوزه از خود به ثبت برسانند که هربار برنامه های برای اصلاح ریخته اند نیز نتایج منفی آن، بیش از نقاط قوت بوده است. در دهه ۷۰، وقتی بحث افزایش قیمت حامل های انرژی مطرح شد، جامعه به یک جمع بندی رسید.

از سویی قیمتها تحت تاثیر گران شدن سوخت بالا رفت و از سوی دیگر، طرح هایی که دولت برای جایگزینی قیمتهای سابق اجرا کرد، عملا راه به جایی نبرد. در دولتهای نهم و دهم نیز که طرح هدفمندی یارانه ها کلید خورد، عملا جز یارانه نقدی که به تدریج تاثیر خود را از دست داد، مردم هیچ تحولی ندیدند.

از این رو در فرآیند اصلاحات ناقص نظام پرداخت یارانه، اعتماد جامعه از دولت به شدت کاهش یافت و نتیجه آن شکل گیری یک گارد تاریخی در برابر تغییرات جدید بود، زیرا بخش قابل توجهی از جامعه معتقد است با افزایش قیمت حامل های انرژی، تورم بالا میرود، اما

هیچ تغییر مثبت اقتصادی قابل رصد نیست. دولت روحانی در دوره نخست خود یک فرصت تاریخی را از دست داد. در آن سالها از سویی قیمت نفت کاهش یافته بود و از سوی دیگر موقعیت دولت از نظر مقبولیت اجتماعی بالا بود و از این رو امکان تغییر در برخی از سیاستهای غلط وجود داشت و از دست رفت.

از این رو اگر امروز بحث اصلاح نظام پرداخت یارانه و کاهش یارانههای پنهان وجود داشته باشد، اولین و مهم‌ترین موضوع، بازگرداندن اعتماد از دست رفته مردم خواهد بود که در شرایط فعلی موضوعی بسیار پیچیده است. جامعه در دو سال گذشته تحت تاثیر تحریم‌ها و تلاطم‌های اقتصادی، فشار قابل‌توجهی را تحمل کرده و هنوز نیز از زیر بار آن خارج نشده است. در چنین شرایطی صحبت از تغییر نظام یارانه‌ای، موضوعی پیچیده است که در صورت نسنجیده بودن، می‌تواند تبعات منفی قابل توجهی داشته باشد.

در این شکی وجود ندارد که اصلاح نظام پرداخت یارانه و کاهش یارانههای پنهان، در حوزه درآمدی به دولت کمک خواهد کرد. اگر در این مسیر بتوان راهکاری برای حفظ و افزایش حمایت از اقشار آسیب‌پذیر نیز طراحی کرد، قطعاً این موضوع به نفع اقتصاد کشور تمام خواهد شد. مسائلی مانند تقویت نظام تامین اجتماعی، بیمه سلامت، سرمایه‌گذاری اقتصادی و افزایش اشتغال، می‌تواند از رهروی اصلاح نظام یارانه‌ای به دست آید که اثرات مثبت آن در میان مدت و بلندمدت خود را نشان خواهد داد و امروز بسیاری از کشورهای جهان که در عرصه اقتصاد عملکرد موفقی داشته‌اند، از همین شیوه‌ها بهره می‌برند. اما با توجه به شرایط خاصی که امروز اقتصاد ایران دارد، هر تغییری نیاز به بررسی‌های همه‌جانبه دارد.

یکی از شیوه‌های عبور از این شرایط می‌توانست اقدامات پیش‌دستانه دولت باشد. برای مثال اگر بنا بود در کنار افزایش قیمت سوخت، یارانه نقدی اقشار کم‌درآمد افزایش پیدا کند، دولت می‌توانست پیش از اجرا این یارانه را افزایش دهد تا جامعه به طرح جدید اعتماد کند، اما با توجه به دشواری‌های موجود در به دست آوردن بانک‌های اطلاعاتی و غربالگری مردم از یک سو و دست بسته دولت در تزریق منابع مالی جدید از سوی دیگر، پیگیری این راهکارها را نیز دشوار می‌کند.

دولت در ماه‌های گذشته یک برنامه‌ریزی موفق را در زمینه بازگشت کارتهای سوخت اجرا کرد. این طرح به شکل سنجیده و با یک

برنامه‌ریزی دقیق و البته به تدریج اجرا شد تا شوک جدیدی به جامعه وارد نشود. بحث یارانه بسیار پیچیده‌تر از کارتهای سوخت است، اما اگر بناست اجرایی شود، باید چنین برنامه‌ای را پشت سر خود ببینند. اگر امروز از یارانه ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی پنهان صحبت می‌کنیم، بنا نیست ناگهان بخش قابل توجهی از آن حذف شود و در شرایط فعلی حتی آزاد کردن ۵۰ هزار میلیارد تومان از منابع آن نیز می‌تواند مفید باشد، اما حتی این گام کوچک هم باید با یک برنامه‌ریزی جدی، بررسی تمامی جوانب، به تدریج و با راهکارهای اجرایی شفاف و مدون همراه باشد، اگر تمامی این پیشنیازها، لحاظ شد، می‌توان انتظار داشت اعتماد از دست رفته مردم بازگردد، اما اگر طرحی بدون در نظر گرفتن تمامی این شرایط در دستور کار باشد، نه تنها نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت که حتی می‌تواند تبعات منفی جدید و عمیقی نیز به وجود آورد.